

علل ماندگاری امیرکبیر در تاریخ

بنام خدا

پس از قتل قائم مقام فراهانی حاج میرزا آقاسی که خود با دسیسه چند نفر دیگر جزء

عاملین قتل آن سید بزرگوار بودند به جانشینی قائم مقام برگزیده شد. میرزا آقاسی در

مقابل سیاستهای روسی و انگلیس کاملاً تسلیم بود ولی مردی درویش سبک، خرافاتی و

بسیار مودی و مکار بود و در ایام نخست وزیری نامبرده از ایران هیچ چیز باقی نماند و

تمام زحمات قائم مقام فراهانی را نیز بباد داد. وی از سال ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۸ میلادی یعنی

سال مرگ محمدشاه قاجار بمدت سیزده سال بر ایران صدرات کرد و در این مدت کشور از

نظر داخلی بجائی رسید که مردم به خوردن علف و دانه های نباتات و خوراک دام و طیور

افتادند و از نظر خارجی هم مبادرت به امضاء قراردادهائی مانند قرارداد ننگین ترکمانچای

با انگلیسی ها نمود که عاقد قرارداد جوانک بی هویتی بنام میرزا ابوالحسن خان شیرازی

وزیر امور خارجه ایران بود که جز حقوق بگیران دولت انگلیس در ایران بشمار می رفت.

پس از درگذشت محمدشاه جمله رجال دولتی ایران بدستور میرزا آقاسی و از جمله

مستوفی الممالک که سالها وزیر نخست وزیر بود جملگی به سفارت انگلیس در رفتند و از

سفیر اجازه خواستند تا آمدن ولیعهد ناصرالدین میرزا زمام امور کشور را مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری بدست داشته باشند.

پس از ورود ولیعهد از تبریز به پایتخت و تاجگذاری در تهران میرزاتقی خان امیرکبیر یا اتابک اعظم به صدرات اعظمی برگزیده شد و بدنی ترتیب برای مدتی کوتاه (سه سال و یکماه و بیست و هفت روز) دومین ستاره شبهای طولانی حکومت قاجار شروع به درخشش نمود. در این زمان ناصرالدین شاه فقط هفده سال داشت و اوضاع اجتماعی اقتصادی کشور

وضع بحرانی داشت اکثر تجار تحت الحمایه روسی یا انگلیس بودند و تعداد وابستگان سفارتخانه های مذکور بیشمار. از مردم هم گذشت مانده بود نه، شعرا و ادبا در فقط و مسکنت و در یوزگی و گدایی بودند و علوم روز عبارت بود از جن گیری، دعانویسی، آداب طهارت و حال امیرکبیر با دست و اطرافیان خائن خود چگونه می توانست با دو دشمن دندان مسلح که ایران را از آن خود می دانستند بستیزد یا دست کم با حفظ منافع عامه با آنها کنار بیاید که کاری بس دشوار و شاید غیر ممکن بود. اما با توجه به شخصیت قوی و سایر خصوصیات اخلاقی ایشان که بهتر است بذکر چند نمونه آنهم از زمان خارجی ها بازگو کنیم. امیر سعی و تلاش نمود کاری کند کارشان داتسون نویسنده انگلیسی در مورد

او می گوید در میان همه رجال مشرق زمین و زمامداران ایران امیر بی همتاست و بحقیقت سزاوار است که بعنوان اشرف مخلوقات بشمار آید.

امیر از بچگی صاحب اصالت رای و استواری شخصیت بود او جثه ای تنومند، درشت، خوش قیافه با سیمایی گشاده و هوشمند بود. اهل ورزش و کشتی گیر بود. همه کسانی اعم از داخلی و خارجی که در مورد او چیز نوشته اند جملگی به هوش فوق العاده و نیز فکر پرکاریش صحه گذاشته اند او بسیار پرکار و از طلایه صبح تا آخر شب بکار مشغول بود.

در راستی و درستی و فسادناپذیری و صداقت و صمیمیت هیچ کس تردید ندارد، کلنل شیل وزیر مختار انگلیس و دشمن خونی امیر درباره او می نویسد: دوستی که خوبی ایرانیان است در وجود امیر بی اثر است به رشوه و کسی فریب نمی خورد او جسور و بی باک بود. رفتاری متین و سنگین داشت خنده کمتر از او دیده می شد، اتکاء به نفس داشت و هنگام خطر بر اعصاب خود مسلط بود حق شناس و نمک شناس بود. دکتر اطریشی در حق او گفت: میرزا تقی خان مظهر وطن پرستی است که در ایران اصل مجهولی است و شیل می گفت امیر جز نیکبختی وطن چیزی نمی خواهد.

واتسون در مورد او گفت اگر میرزا تقی خان می ماند و اندیشه هایش را بانجام می رساند بدون تردید در زمره آن کسانی شمرده می شد که بعقیده بعضی ها از سوی خدا به رسالت تاریخی برگزیده شده اند، میرزا تقی خان امیرکبیر همزمان با ایام اسپنسر مارکس، آگوست کنت - نیچه، ادیسون میشلن، ولتر، روسر هگل و کالت می زیست در اروپای آنروزگار علوم و فنون شکوفا شده و دولتمردانشان در حال رقابت بی امان برای توسعه علوم و فنون و قدرت نظامی و صنعتی کشورشان بودند و امیر ما بخوبی از اوضاع سیاسی اجتماعی و اقتصادی غرب مطلع بود.

او بخوبی از جریانان علمی، اجتماعی و سیاسی. اقتصادی غرب عمیقاً با خبر بود و می دانست که چگونه بایستی از این ره آورد بشری بنفع ملتش بهره مند شود، و بی صبر و حوصله قهرمانانه ای داشت رفتارش دراز روم گواه آنست (بعنوان وزیر مختار دولت ایران مدتی دراز روم عثمانی زندگی می کرد) و زمانی که دور در مذاکرات مربوط به منافع ملی شرکت داشت ذره ای از منافع مردم به دول غربی یا عثمانی باج نداد. (حل مسائل مرزی خرمشهر (محمره)، ذهاب، کردند عرب در ونداود (شط العرب) یادگار زمان اوست آدمیت

که ارزنده ترین کار تاریخی موجود را در مورد امیرکبیر نوشته می گوید «اهمیت مقام تاریخی امیر به سه چیز است.

۱- نوآوری در راه نشر فرهنگ و صنعت جدید.

۲- پاسداری هویت ملی و استقلال سیاسی ایران در برابر تعرض غربی ها.

۳- اصلاحات سیاسی مملکتی و مبارزه با فساد موجود در جامعه.

او در پی آن بود که بنحوی دست آوردهای جدید را با فرهنگ سنتی تلفیق کند. امیر که

جوهر غربزدگی را شناخته بود اقدامات خود را برای استقلال کشور در زمینه های مختلف

شروع کرد ولی همچون قائم مقام و دکتر مصدق به عمیق فرمول های تجاری مالی و

صنعتی استعماری پی برده بود و علل عقب ماندگی ایران را بخوبی می شناخت بنابراین

سعی نمود برای رسیدن به اهداف عالی که در سر داشت که مهمترین آن نجات ایران از

دست استعمارگران بود تلاش مضاعف و همه جانبه نماید. امیرکبیر از معدود نخست

وزیران ایران است که وطن پرستی، دلیری و گستاخی و شعور سیاسی بالا صلابت رأی و

اندیشه، ملت دوستی و ... بانضمام معلومات آکادمیک مورد نیاز کارش را آموخته بود لذا

بدستور وی در زمان سفر مختار از دوم عثمانی کتابی را تدوین نمود بنام «کتاب جهان

نمای جدید» او تربیت شد، نخست وزیر توانمند و عالیقدری همچون قائم مقام فراهانی بود و سفر به سن پترزبورگ چیزهائی بوی آموخت که شدیداً با آن نیاز داشت.

کتاب مذکور دائره المعارفی بود از اوضاع جغرافیا تاریخ، اقتصاد و فرهنگ سیاسی جدید امیر با استفاده از همین اطلاعات بود که توانست هکنل شیل سفیر انگلیس و دالگورگی سفیر روس را در مذاکرات قانع کند یا بهتر است بگیریم عقاید و منافع ملی کشور را بانان تحمیل نماید.

امیر می دانست که در سایه شناخت دقیق دست آوردهای غرب و تلفیق این دستاوردها با ایران سنتی می توان بجائی رسید بهمین جهت در یادداشتی که برای ناصرالدین شاه می فرستد از وی درخواست می کند برای مدیریت مدرسه دارالفنون شخصی انتخاب شود که بسیار معقول و متشخص بوده که سر رشته از هر چیز ایرانی و فرنگی را داشته باشد. این در حالیست که خود امیر از فرنگی مآبی بدنش می آمد و اصالت آداب ایرانی را محفوظ می داشت با این ویژگیها که برشمرده شد امیرکبیر کار را در چندین جبهه شروع کرد که بدلیل جلوگیری از تطویل مطلب بصورت فهرست قرار شاخص ترین دستورات و امور مربوط به دولت دستی را بر می شمیریم.

۱- آزادی، قانون و امنیت اجتماعی امیر نظم و قانون و تأمین عدالت و در واقع آنچه را که بعداً به «نظم میرزا تقی خان معروف شد بسیار وسیع میدید. وی نظم را در همه کارها جست و جو می کرد هم در سیاست هم در اجتماع و هم در قضاوت و هم در فعالیت های اقتصادی برای اصلاح محضر شرع به طرق مختلف کوشید دیوانخانه عدالت را بنا و دادخواهی مردم علیه دولت را برای اولین بار در کشور جاری کرد. او با هماهنگی سفرای روس و انگلیس قانون منع شکنجه را دائر نمود و برای جرائم مختلف هم مجازاتهای درخور جرم را تدوین کرد. امیر در همه زمینه ها دست به اقدام زد القاب بی جهت را دور ریخت ولی حتی اصلاح اشعار روضه خوانی را از نظر دور نداشت و خدمات شهری و بهداشتی از جمله آبله کوبی و تاسیس مریضخانه کوتاه کردن ایادی دولت از سر مردم جمع آوری گدایان تأمین خدمات شهری مثل چاپارخانه و پست، حفظ آثار باستانی جلوگیری از تعدی مأموران بیگانه به مردم، توسعه صنعت و تنظیم امور صادرات و واردات، حفظ منافع ملی در قبال بیگانگان، ایجاد دیوانخانه عدالت، استفاده از کار کارشناسی، توسعه و نشر دانش و ادار کردن مردم به کار و تلاش، حمایت از فعالیتهای تولیدی و تجاری و تأمین حقوق اقلیتهای مذهبی از جمله کارهای امیر است آنهم در شرایط سخت و دشوار کشور در آن روزگار.

۲- درک امیر از دانش، وسائل ارتباط جمعی و کتاب در مورد روزنامه نظرش اطلاع یافتن دولت از اوضاع جهان و دیگر پرورش عقلانی مردم و آشکار کردن آنها با دانش جدید و احوال سایر کشورها بود.

امیر مقرر کرده بود که هر گس ۲۰۰ تومان در سال حقوق می گردد (کارمندان و اهالی دولت) به دو تومان اجیر (آبونه) روزنامه شود و کلیه رجال و کدخدایان و رجال شهری و ... را مثبت نام کرده بود که روزنامه اجیر شوند (آبونه شوند و از این طریق به کم و کیف دنیا مطلع گردند بهر ترتیب تا زمانیکه امیر مصدر کار بود سعی وافر می شد که معارف عمومی، صنعتی، تجاری و فرهنگی از طریق روزنامه بخصوص روزنامه وقایع الفاقیه به آگاهی مردم برسد.

۳- تأسیس دارالفنون: دارالفنون نیز در هفت شعبه تأسیس شد و اولین مدرسه جدید ایران بود دارالفنون ترجمه (پلی تکنیک است)

شروع کار بعضی از رشته ها بعد از امیر بود بعد از امیر دارالفنون هم از نظر مشکل و هم محتوا و هم از نظر معلم و دانش آموز ویژگی خاصی پیدا کرد. بطوریکه فارغ التحصیلان

اولیه آن فرزندان رجال قاجار بودند و اینها همان کسانی بودند که با از فرنگ برگشتگان بدنه اصلی دستگاه اجرائی کشور را تشکیل می دادند.

۴- رسیدگی به وضع عالیه: این بخش از نابسامان ترین بخش های ایران بود که ریشه ای تاریخی داشت یعنی کسری بودجه یا کمی مداخله نسبت به مخارج و تاکنون هم این تراز منفی در بودجه های سالانه کشور دیده می شود.

صیف دلیل بیت المال، بودجه تراشی دستگاههای دولتی، رشوه و تزییع حقوق دولت فساد و تخریب بود در زمان مصرف و مهمتر از همه از شاه گرفته تا پایین ترین راه کارکنان مثل زاده به دستگاه دیوانه چسبیده بودند و از بودجه دولت برداشت می کردند. لذا امیرکبیر اقدام به قطع دریافتهای غیر ضروری نموده و حتی حقوق شاه را هم تقلیل داد و آنرا به ماهی دو هزار تومان کاهش داد. در آن زمان میرزا آقاسی برای خود و خویش و قومش سالی ۶۰۰ هزار تومان حقوق تعیین کرده بود که به پول آنروز کمر دولت ایران را می شکست ولی امیر همه اینها را قطع کرد.

در این مورد شیل وزیر مختار انگلیس نوشت «امیر با این عمل بی پروای خود در کاهش حقوق و مواجب افراد همه را دشمن خود ساخته است» امیر سر و سامانی به قوانین

مالیاتی داد و صورت عواید و مخارج را تعدیل کرد تیول دارانی بودند که حق دیوان را نمی دادند (مالیات نمی دادند) امیر تیول آنها را ضبط کرد و مالیتهای معوقه را گرفت و بر سر تمام این مسائل مرتبا با سفرای روس و انگلیس کشمکش داشت چرا که این دو سفارتخانه بجای پرداخت به امور دیپلماتیک از ثروتمندان باج می گرفتند که در این قبیل موارد به حمایت آنها برخیزند. امنیت اجتماعی بوجود آمده توسط امیر باعث شد اقتصاد کشور رونق بگیرد و درآمد اضافه برای دولت ایجاد کند. در مجموع کشاورزی، صنعت و تجارت رونق گرفتند.

را از دست اتباع روس گرفت و به اتباع ایران داد. گمرک را از اجاره درآورد و توسط دولت اداره نمود و برای اضافه کردن به درآمد دولت پست را دایر نمود.

۵- اصلاح دستگاه فاسد اداری: کم کاری، کارشکنی، رشوه، ظلم و تعدی، مردم آزاری ضعف و ناتوانی عدم خلاقیت و حاکمیت روابط قبیلگی بجای ضوابط عقلانی از خطوط برجسته فرهنگ اداری مملکتی بود که امیر سعی بر ریشه کن کردن یا به حداقل رساندن آنها نمود اگرچه این کار امیر بمثابه دست در سوراخ زنبور بردن بود و بعدها یکی از دلایل اصلی قتل امیر نیز مبارزه وی با فساد اداری و اجتماعی موجود بود.

۶- سر و سامان دادن ارتش

ارتش جدید ایران در زمان میرزا عیسی بزرگ و عباس میرزا پایه گذاری شد و ساخت و

ورود تجهیزات نظامی نیز از همان زمان آغاز شد. مهمات بازی در زمان امیر رشد زیادی

کرد در تهران ماهی یکهزار تفنگ و در اصفهان ماهی سیصد تفنگ می ساختند.

و توپ سازی و باروت سازی تبریز که یادگار عهد عباس میرزا بود دوباره رونق گرفت در

امیرآباد (امیرآباد، خیابان کارگر فعلی تهران) کارخانه مهمات سازی ساخت و به مسائل

مالی ارتش هم سر و سامان داد.

۷- سیاست مذهبی: امیر شخصاً مردی متشرع بود و عامل به احکام و مستحباب بود ولی با

خرافه پرستی بشدت مخالف بود لذا سعی کرد به مسائل روضه خوانی سر و سامان بخشد و

آنها اصلاح کند و قمه زنی را نیز قدغن کرد که تا حدودی موفق شد.

۸- سیاست خارجی: نیازی به توضیح نیست که سیاستهای خارجی امیر همچون سیاست

داخلی موفق بود و اگر مجال می یافت احتمالاً بسیاری از مشکلات خارجی ایران را حل

می کرد. وزیر مختار انگلیس گفته بود: شیوه امیر این است که هر پیشنهادی از سوی

خارجیان می شود او رد می کند و روسای ایلات بختیاری و قشقایی از این جهت مورد نفرت امیرکبیر بودند که هوادار قدیم و ثابت انگلیس بشمار می رفتند.

امیر دستگاه وزارت خارجه را توسعه داد. تأسیس سفارتخانه های دائمی در لندن،

پترزبورگ و ایجاد کنسولگری در بمبئی، عثمانی و قفقاز و تربیت کادر دوره دیده به دین

بمنظور از کارهای اوست. او در مورد دخالت خارجی در ایران با سماجت پایداری می کرد و

هرگز موافق نبود که مشکلات داخلی کشور با دخالت خارجی حل شود. در این رابطه گفته

بود اگر بست هزار سرباز ایرانی در سالار در مشهد تلف شوند بهتر از اینست که موضوع با

دخالت خارجی حل شود.

یکی از درخشانترین فصول سیاست خارجی امیرالحاق هرات به ایران بدون جنگ و

خونریزی و تنها بر اساس سیاستهای دقیق این ابرمرد بود.

امیر برای اولین بار روابط خارجی را به صورت فعال از حد و مرز دو کشور همسایه فراتر

برد و به اتریش، روس و امریکا کشاند از جمله با امریکا قرارداد بازرگانی است.

در باب تجارت و صنعت او بسیار موفق بود و می دانست که برای توسعه این مهم نیاز به

نظم و امنیت و آزادی است. او به تولید در داخل کشور و جلوگیری از ورود اجناس خارجی

معتقد بود که بر سر همین مسئله کشمکشهای متعددی با وزیر مختار انگلیس و روس را در برداشت. بهر حال بحث در مورد خدمات امیرکبیر به این مملکت مسئله ای نیست که در این مجال اندک بگنجد و چون امیر مانند ستاره ای درخشان بر تارک تاریخ ایران می درخشید بهمین سبب نیاز و لزوم تتبع در احوال وی و تفکرات روشنفکرانه او بایستی بدست و قلم اهل علم و کسانی که در فهم و تجربه تحلیل تاریخ تجربه و تخصص دارند صورت گیرد.

اما آنچه که با بحث پایان کار و زندگی امیر شد مانند دو نخست وزیر دیگر یعنی قائم مقام فراهانی و دکتر مصدق کوتاه کردن دست غارتگران بیت المال در داخل و همچنین قطع ایادی استعمارگر خارجی از ایران بود که با وحدت این دو جریان شوم که در تاریخ این کشور بی سابقه هم نبوده بالاخره ناصرالدین شاه که شوهر خواهر امیر نیز بود برای حفظ و تثبیت موقعیت و تاج و نخست خود دستور قتل امیر را صادر کرد تا هم موقعیت خود را مستحکم نماید و هم رضایت خائنین و مزدوران داخلی و اربابان خارجی آنها را فراهم نماید. لذا طی دستوری به خارج علیخان فراشبازی شهرپاری گفت به فین کاشان رفته و میرزاتقی خان فراهانی را راحت نمائید.